

یکی از قواعد مهم در زمینه خلل نماز، قاعده «لاشک لکثیر الشک» است. برای آشنایی با مفاد این قاعده بایسته است، مفاهیم شکل دهنده آن به اجمال و اختصار مورد بحث و بررسی قرار گیرد. کلمه‌های «لا»، «شک» و «کثیر الشک» از مفاهیم کلیدی دریافت مفاد این قاعده هستند.



دکتر سید ابوالقاسم نقیبی

قواعد فقہی (۵)

قواعد: لاشک

«لا» در قاعده مذکور به معنای نفی جنس است. زیرا مدخول آن یعنی «شک» اسم نکره است. از نظر ادبی «لا» چنانچه بر اسم نکره وارد شود، به معنای نفی جنس خواهد بود. بنابراین به وسیله «لا» جنس شک نفی شده است. بدیهی است، مراد از نفی شک، نفی حقیقی شک نیست؛ بلکه منظور نفی حکم شک است. زیرا اولاً: نفی حقیقی شک از افق ذهن نمازگزار کثیرالشک امری خلاف واقع است. ثانیاً: نفی حقیقی شک با مقام وضع احکام و مقررات که شأن شارع مقدس است، سازگاری ندارد. چگونه می توان کسی را که در واقع دارای شک است، فاقد آن به شمار آورد؟ چگونه می توان سخن قانونگذاری که در مقام بیان حکمی از احکام است، ناظر به واقع و تکوین دانست؟ آیا این غیر از خلط بین عالم اعتبار و تکوین است؟

تنها به معنای نسیان است.^۳ لذا استعمال آن در معنای خصوص شک یا معنای اعم از شک و نسیان، استعمالی مجازی است که نیازمند به قرینه خواهد بود.

به هر حال آنچه در روایات و تعابیر فقها مشاهده می شود، کلمه سهو در معنای شک و گاهی نیز لفظ شک در معنای سهو به کار برده شده است. در توجیه استعمال هر یک به جای دیگری می توان گفت: این استعمال شرعی است؛ یعنی هر یک از دو کلمه مذکور، در حقیقت شرعی^۴ خویش استعمال می شوند. یا این استعمال مجاز لغوی است؛ یعنی این دو کلمه (سهو و شک) به علاقه مشابهت که همانا غایب شدن معنی در ذهن است، به جای دیگری استعمال می شوند. مع الوصف نباید تفاوت این دو را فراموش کرد؛ زیرا در سهو، معنی به طور کلی از ذهن غایب می شود. در حالی که در شک، تعیین معنی از ذهن غایب است.

یکی از حالت هایی که در ذهن نمازگزار عارض می شود، حالت تردید و تحیر نسبت به رکعات، افعال، شروط و موانع نماز است. به نحوی که ذهن نمی تواند بین دو طرف وجود و عدم، یکی را بر دیگری ترجیح دهد؛ اصطلاحاً به این حالت ذهن شک گفته می شود. و در مقابل چنانچه ذهن یکی از دو طرف را رجحان بخشد، به طرف راجح «ظن» و به طرف مرجوح «وهم» اطلاق می شود.^۱

حالت تردید در ذهن، ممکن است، به صورت اتفاقی رخ دهد یا تداوم و تکرار یابد؛ به نحوی که در نزد عرف این تکرار کثیر تلقی شود. بنابراین، معیار و مرجع تشخیص تحقق وصف کثرت برای شک، عرف است.^۵ از منظر عرف، نمازگزاری کثیرالشک تلقی می شود که پی در پی در نماز خویش دچار شک شود. بدون تردید، عرف بر اساس ملاکی نمازگزار شک کننده را کثیرالشک می شمرد. سؤال اساسی از همین ملاک یا ملاک ها است. به تعبیر دیگر، عرف با چه ملاکی نمازگزار را کثیرالشک تلقی می کند؟ با مراجعه به عرف درمی یابیم که عرف کسی را که در سه نماز، پی در پی شک نماید کثیرالشک می داند. در روایت محمدبن ابی عمیر از محمدبن ابی حمزه آمده است که حضرت امام صادق(ع) فرمود: «هرگاه شخص در سه نماز، شک در رکعات نماید، کثیرالشک اطلاق می شود.»^۶ ظاهر کلام امام صادق(ع) آن است که کثیرالشک کسی است که سه نماز پی در پی او، بدون شک نباشد؛ اعم از این که مورد و محل شک یکی باشد یا یکی نباشد. ولی برخی از فقها آن را مقید کرده اند که در هر سه نماز، شک نمازگزار در مورد و محل واحدی باشد. مثلاً شک ها میان دو و سه یا سه و چهار صورت پذیرد؛ نه آن که در یک نماز شک دو و سه و دیگری سه و چهار و دیگری یک و دو باشد.

کلمه «سهو» از کلماتی است که در روایات در معنایی به کار برده شده است که شامل شک نیز می شود. سهو در لغت عبارتست از: پنهان شدن معنی از طرف روشن ذهن در حالی که این معنی در خزانه قوه حافظه باقی است؛ به نحوی که با توجه اجمالی ذهن، آن معنی مجدداً در ظرف روشن ذهن حاضر می شود. با این تعریف از سهو، فرق بین «سهو» و «نسیان» آشکار است. زیرا در نسیان، معنی از قوه ذاکره و قوه حافظه محو می شود؛ در حالی که در سهو معنی تنها از قوه ذاکره محو می شود. مع الوصف سهو به معنایی که شامل نسیان باشد نیز استعمال شده است. بدیهی است در این صورت باید آن را به معنای اعم دانست؛ یعنی سهو را باید هر شکل از پنهان شدن معنی در ذهن به شمار آورد. بدین جهت برخی از فقیهان گفته اند: «برای کثیرالنسیان احکام نسیان جاری نمی شود.»^۲ برخی پارافراتر نهاده و مدعی شده اند که سهو،

به نظر می رسد ارائه معیار از ناحیه امام صادق(ع)، تنها ارشاد به یکی از همان معیارها و ملاک های عرفی است. همچنین عرف کسی را که در یک نماز سه بار پی در پی شک می نماید، کثیرالشک، می داند. بر این معنی از کثیرالشک

کثیر الشک

ظاهر برخی از روایات نیز دلالت می کند. بنابراین عرف برای صدق عنوان کثیر الشک ملاک های متعددی را ارائه می دهد. در مبحث آرا و نظرات فقها در همین نوشتار در این زمینه مباحث تکمیلی ارائه خواهد شد.

است. عمل فقهای امامیه به مفاد قاعده، ضعف احتمالی برخی از روایات را جبران می کند. بنابراین در صدور مجموع روایات نباید تردیدی به خویش راه داد.

الف. صحیحہ محمدبن مسلم

محمدبن مسلم عن ابی جعفر (ع): «قال اذا كثر عليك السهو فامض في صلاتك فانه يوشك ان يدعك انما هو من الشيطان»^۱ محمدبن مسلم از امام باقر (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «هرگاه در نماز بسیار شک کنی به شک اعتنا نکن؛ زیرا به زودی آن نیز دست از تو برمی دارد. به درستی که آن از شیطان است.» دلالت صحیحہ محمدبن مسلم بر عدم اعتنا به شک از ناحیه کثیر الشک، صریح و روشن است. مراد از کلمه «سهو» در بیان امام (ع) شک است. بر اساس روایت مذکور چنانچه کثیر الشک در بجا آوردن شرطی یا جزئی یا وجود مانعی در نماز خویش شک کرد، نباید به شک خویش اعتنا کند.

با عنایت به آشنایی با مفاهیم اساسی قاعده، بایسته است مفاد آن را ارائه کنیم. بر اساس قاعده «لا شک لکثیر الشک» به کثیر الشک، حکم شک کننده جاری نمی شود. یعنی کثیر الشک نباید به شک خویش توجه کند. به تعبیر دیگر، چنانچه کثیر الشک در بجا آوردن امری از امور نماز اعم از رکن و غیر رکن شک نماید، باید بنا بگذارد که آن را به جا آورده است. اگرچه محل به جا آوردن آن هنوز نگذشته باشد. مثلاً اگر نمازگزار در مرتبه چهارم در یک نماز یا در مرتبه چهارم در سه نماز در بجا آوردن رکوع شک کند، باید بنا بگذارد که آن را به جای آورده است. اگرچه هنوز به سجده نرفته باشد و محل به جا آوردن رکوع باقی باشد.

بنابراین، چنانچه کثیر الشک به شک خویش اعتنا کند و مانند نمازگزار غیر کثیر الشک، مشکوک را به جای آورد، نماز او باطل است. زیرا آوردن مشکوک از ناحیه او به منزله آن است که عمداً در نماز، فعل زیادی انجام داده است. اصولاً مراد از نفی حکم شک از کسی که کثیر الشک است، به این معنی است که شارع، وجود موجب حکم شک را مانند عدم آن می داند.^۲ بنابراین، آوردن آن به منزله آوردن جزئی به صورت عمدی است.

محمدبن علی بن حسین قال. قال الرضا (ع): اذا كثر عليك السهو في الصلاة فامض على صلاتك ولا تعد.^۱ محمدبن علی بن حسین از امام رضا (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «هرگاه در نماز بسیار شک کنی به شک خود اعتنا نکن و نماز خویش را اعاده نما.»

اگرچه روایت صدوق مرسل است، ولی برخی از عالمان، مراسیل صدوق را مانند مسانید^{۱۱} او معتبر می دانند. بر اساس این نظریه، ارسال سند روایت مذکور موجب عدم اعتبار آن نخواهد بود. علاوه بر آن، عمل اصحاب نیز جبران کننده ضعف احتمالی سند روایت به شمار می آید. از نظر دلالت نیز این روایت بر مفاد قاعده به صراحت و روشنی دلالت می کند.

محمدبن سنان عن ابی جعفر (ع): اذا كثر عليك السهو...

حسین بن سعید از فضاله و او از ابن سنان و او از افراد دیگری نقل می کند که آن ها از امام صادق (ع) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: هرگاه در نماز بسیار شک کنی، به شک خویش اعتنا نکن. این روایت نیز مانند روایات پیشین به صراحت و روشنی بر مفاد قاعده دلالت می کند.

۵۱. اجماع

روایات و اجماع دو مدرک این قاعده به شمار می آیند. اگرچه تحقق اجماع بر قاعده «لا شک لکثیر الشک» مخالفتی را بر نمی تابد؛ ولی اجماع مزبور با عنایت به وجود اخبار صحیحہ، مدرکی است. یعنی به احتمال قوی، اتفاق اجماع کنندگان متأثر از روایات مزبور است. لذا بایسته است، فقیه در اجماع مدرکی، به خود مدرک و دلیل مراجعه کند و سند و دلالت آن را مورد مطالعه قرار دهد. اصولاً چنین اجماعی از اعتبار مستقل از روایات برخوردار نیست.

مهم ترین مدرک قاعده، روایات است. برخی از روایات متضمن قاعده، صحیحہ و بعضی دیگر حسنه و برخی نیز مرسله

عمار عن ابی عبدالله (ع) فی الرجل یکثر علیه الوهم فی الصلاة فیشک فی الركوع فلا یدری أركع ام لا و یشک فی السجود فلا یدری أسجد ام لا . فقال : لا یسجد و لا یرکع و یمضی فی صلاته حتی یتیقن یقیناً .^{۱۴}

عمار از امام صادق (ع) نقل می کند: (سؤال کردم) از شخصی که در نماز خویش بسیار شک می کند. در رکوع شک می کند و نمی داند رکوع را به جای آورده است یا خیر. شک می کند؛ پس نمی داند که سجده را به جای آورده است یا خیر. آن حضرت فرمود: «سجده نمی کند. رکوع به جای نمی آورد و به شک خود نباید اعتنا کند تا این که یقین کند.»

در این روایت، مراد از «وهم»، «شک» است؛ نه وهم مصطلح که در مقابل ظن قرار می گیرد. زیرا اگر منظور از وهم، وهم مصطلح باشد، لازم است که جانب مرجوح بر جانب راجح تقدیم داده شود. عقل، ترجیح جانب مرجوح بر راجح را ناپسند می شمرد. به هر حال، این روایت نیز بر مفاد قاعده دلالت می کند.

زراره و ابویصیر «قلنا له: الرجل یشک کثیراً فی صلاته حتی لا یدری کم صلی و لا بقی علیه؟ قال: یعید. قلت: فانه یکثر علیه ذلک کلمة اعاد شکة. قال (ع): یمضی فی شکة ثم قال (ع): لا تعودوا الخبیث من انفسکم نقض الصلاة فتطمعوه فان الشیطان خبیث معتاد لما عود فلیمض احدکم فی الوهم و لا یکثرن نقض الصلاة فانه اذا فعل ذلک مرات لم یعد الیه الشک. قال زراره، ثم قال (ع): انما یرید الخبیث ان یطاع فاذا عصی لم یعد الی احدکم.»^{۱۷}

مرحوم شیخ کلینی به اسناد خود در کتاب شریف «کافی» از حرزین عبدالله سجستانی و زرارة بن اعین و ابویصیر یحیی بن قاسم اسدی- که همه از بزرگان وثقات اصحاب ائمه هستند- نقل می کند که این افراد به آن حضرت- امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) عرض کردند: یکی از آشنایان به قدری در نمازش شک می کند تا آن جا که نه می داند چند رکعت خوانده و نه می داند که چند رکعت باقی مانده است. چه کند؟ آن حضرت فرمود: نمازش را از سر گیرد. باز پرسیدیم: این اتفاق برایش خیلی پیش می آید. به طوری که هر قدر نماز را از سر می گیرد، باز شک می کند. حضرت فرمودند: بنا بر این شکش بگذارد. سپس آن حضرت فرمودند: «نفس زشتخو و بدکرداران را به شکستن نماز عادت ندهید که به طمع افتد؛ زیرا شیطان خبیث به هر چه خو داده شود، عادت می کند. پس بنا بر این شکتان گذارید. [شکیات را عمل کنید.] و

نمازتان را بسیار نشکنید؛ زیرا اگر نمازگزار چندبار این گونه رفتار کند، دیگر شک به سراغش نمی آید. سپس زراره گفت: آن حضرت در آخر افزودند: بی شک شیطان زشتخو و بدکردار می خواهد فرمان برده شود، اگر نافرمانی شود، به سراغ هیچکدامتان نمی آید.»

از صدر روایت زراره و ابی بصیر چنین توهم می شود که کثیر الشک باید به شک خویش اعتنا و در نتیجه نماز را اعاده کند؛ زیرا در صدر روایت آمده است، «الرجل یشک کثیراً فی صلاته» که امام در جواب فرمودند: «یعید». در این صورت صدر روایت با ذیل آن دارای تهافت خواهد بود. ولی با اندکی تأمل دریافته می شود که مراد از عبارت «الرجل یشک کثیراً فی صلاته» این است که نمازگزار شخصی است که رکعات نماز همواره در نزد او محفوظ نیست، بلکه چه بسا در هر هفته در عدد رکعات نماز، دوبار شک می کند. اگرچه این تعداد از شک به حدی نیست که در عرف از آن به کثیر الشک تعبیر شود. در حقیقت عنوان کثیر الشک در صدر روایت به معنای عرفی استعمال نشده است.

در حالی که عنوان کثیر الشک در ذیل روایت به معنای مصطلح عرفی به کار رفته است. بنابراین بین صدر و ذیل روایت تهافتی وجود ندارد. بر اساس ذیل روایت، کثیر الشک عرفی نباید به شک خویش اعتنا کند. ولی صدر روایت می گوید: کثیر الشک غیر عرفی باید به شک خویش اعتنا کند و به احکام شاک غیر کثیر الشک پایبند باشد.

برخی از عالمان جهت رهایی از تهافت بین صدر و ذیل روایت گفته اند: مدلول روایت تخییر کثیر الشک است. یعنی او مخیر است که به شک خویش اعتنا و مانند شاک غیر کثیر الشک عمل کند یا این که به شک خویش اعتنا نکند. صدر روایت متضمن اعتنا به شک و مفاد ذیل آن عدم اعتنا به شک خواهد بود.

مرحوم صاحب جواهر از محقق ثانی نقل می کند که کثیر الشک مخیر است به شک خویش اعتنا کند یا بنا بر اقل یعنی عدم وقوع مشکوک بگذارد. هم او می گوید که از مرحوم شهید اول در کتاب «ذکری» حکایت شده است که ایشان

معتقدند، مراد از عدم اعتنای

کثیر الشک به شک، همانا رخصت

است. یعنی جایز است که به

مقتضای شک خویش نیز

عمل کنند. مرحوم

صاحب جواهر همه این

آرا را مخالف ظاهر و

۶. محمدبن حسن حر عاملی. وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت. دارالاحیاء التراث العربی. چاپ چهارم. ۱۳۹۱م. باب ۱۶ از ابواب خلل واقع در صلاة، حدیث ۷.
۷. شیخ مرتضی انصاری. احکام الخلل فی الصلاة. مؤتمر المشوی للشیخ الاعظم الانصاری چاپ اول. ۱۴۱۳ق. ج ۹، ص ۱۱۷.
۸. محمدبن یعقوب کلینی رازاری. الفروع من الکافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۹۱ق. ج ۳، ص ۳۵۹.
۹. مرسل، حدیثی است که شخصی که خود حدیث را از پیامبر یا امام نشنیده است، بدون وساطت صحابی از معصوم نقل می کند. به عبارت دیگر، مرسل حدیثی است که آخرین راوی حدیث، مذکور یا معلوم نباشد.
۱۰. علی بن الحسین بابویه قمی. (شیخ صدوق). من لا یحضره الفقیه. دارالکتب الاسلامیه. چاپ پنجم. ۱۳۹۰هـ. ج ۱، ص ۳۳۹، حدیث ۹۸۸.
۱۱. مسند، حدیثی است که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا به معصوم (ع) مذکور و متصل باشد.
۱۲. وسایل الشیعه. همان. ج ۵، ص ۳۲۹، باب ۱۶ از ابواب خلل، حدیث ۳.
۱۳. موثق، خبری است که کلیه افراد سلسله سند در کتاب های رجالی شیعه موثق باشند، اگرچه بعضی از افراد زنجیره حدیث غیر امامی باشند. مانند علی بن فضال و ابان بن عثمان.
۱۴. وسایل الشیعه. ج ۵، ص ۳۳۰، باب ۱۶، ج ۵.
۱۵. صحیحه، روایتی است که تمامی افراد سلسله سند آن موثق و امامی مذهب باشند.
۱۶. حسنه، روایتی است که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند ولی تصریح بر عدالت هریک نشده باشد یا بعضی ممدوح و بقیه ثقه باشند.
۱۷. الفروع من الکافی. همان. ج ۳، ص ۳۵۸.
۱۸. محمدحسن نجفی. جواهر الکلام. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۷هـ. ش. ج ۱۲، ص ۴۱۷.

نص دانسته است که از مبنا و مستندی برخوردار نیست.^{۱۸} به نظر ما تخخیر، با ظاهر روایات مذکور مغایرت دارد؛ زیرا در برخی از روایات، امام (ع) در بیان خویش به عدم اعتنا امر فرمودند و امر نیز ظهور بر وجوب دارد؛ یعنی عدم اعتنا به شک، لازم و ضروری است. به ویژه این که امام (ع) در تعلیل خویش اعتنا به شک را نوعی پیروی از شیطان دانسته اند. بدیهی است، با تلقی پیروی از شیطان برای کثیر الشکی که به شک خویش اعتنا می کند، جایی برای تخخیر باقی نمی ماند. از مجموع مباحث ارائه شده نتیجه می گیریم که چنانچه نماز گزار کثیر الشک در موضعی که نباید به شک خویش اعتنا کند، مورد مشکوک محتمل العدم را به جای آورد، از آنجایی که از انجام آن نهی شده است، نماز او باطل می شود. مگر این که مشکوک محتمل العدم از اموری باشد که آوردن آن، تنها به قصد قربت، نه به عنوان جزیت جایز باشد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. محمدرضا مظفر. المنطق. بیروت. دارالتعارف. ۱۴۰۰هـ. ۱۹۸۰م. ص ۱۸.
۲. شیخ طوسی. المبسوط فی فقه الامامیه. مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه. ج ۱، ص ۱۲۲.
- سید ابوالکرام ابن زهره. غنیة النزوع. چاپ سنگی. در ضمن الجوامع الفقیهیه، ص ۵۶۶.
- احمدبن ادریس. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم. ج ۱، ص ۲۴۸.
- زین الدین جبعلی عاملی (شهید ثانی). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم. مکتبه الداودی. چاپ اول. ج ۱، صص ۷۲۱-۷۲۲.
۳. احمدبن المولی محمد مهدی نراقی. مستند الشیعه فی احکام الشریعه. مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی. چاپ سنگی. ج ۱، ص ۴۸۸.
۴. حقیقت شرعی عبارتست از: استعمال لفظ در معنایی که لفظ برای آن معنی در نزد شارع وضع شده است.
۵. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی. نهایة الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم. ج ۱، ص ۵۳۳. شهید ثانی. روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. پیشین. ج ۱، ص ۷۲۲.
- شهید ثانی: روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان. چاپ سنگی. مؤسسه آل البیت (ع). لاحیاء التراث، ص ۳۴۳.
- محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری. کفایة الاحکام. چاپ سنگی. مرکز نشر اصفهان. بازار مدرسه صدر- مهدوی. ص ۲۶.

